

اخبار حوادث

قاتل قهرمان پرورش اندام دستگیر شد

یکی از متهمان پرونده قتل ایمان رحیم پور قهرمان پرورش اندام و عضو سابق تیم ملی در شهرستان کیار حوزه قضایی استان چهارمحال و بختیاری دستگیر شد. اصفهانی دادستان عمومی انقلاب اصفهان در تشریح آخرین جزئیات پرونده قتل قهرمان پرورش اندام و عضو سابق تیم ملی در استان اصفهان گفت: ۲ متهم این پرونده که از اراذل و اوباش منطقه بودند شناسایی شدند که یکی از متهمان در شهرستان کیار حوزه قضایی استان چهارمحال و بختیاری دستگیر شده است. وی افزود: متهم سومی نیز در پرونده قتل مطرح است که تلاش و تحقیقات برای شناسایی و دستگیری این متهم در حال انجام است. براساس این گزارش، ۱۶ آبان ماه، حوالی ساعت ۵ بعد از ظهر ۳ نفر وارد اسطبل شخصی رحیم پور واقع در رحمت آباد شده اند و با شلیک ۴ گلوله وی را به قتل رساندند.



خودسوزی وحشتناک دختر ۲۲ ساله در کازرون

سرهنگ محمد عبادی نژاد، فرمانده انتظامی کازرون گفت: دختری ۲۲ ساله به دلیل اختلاف خانوادگی، با مواد اشتعال زادر یکی از خیابان های این شهرستان خود را به آتش کشید. سرهنگ محمد عبادی نژاد بیان کرد: در پی اعلام مرکز فوریت های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر یک فقره خودسوزی در یکی از خیابان های سطح شهر، بلافاصله کار کتان انتظامی برای بررسی موضوع به محل حادثه اعزام شدند. وی افزود: پس از بررسی، ماموران مطلع شدند که دختری ۲۲ ساله به دلیل اختلاف با نامزد خود مواد اشتعال را ز روی خود ریخته و اقدام به خودسوزی کرده است.

این مقام انتظامی با بیان اینکه سرباعفرد مذکور به بیمارستان منتقل شد، تصریح کرد: شهروندان می توانند برای برطرف کردن هر گونه مشکل خانوادگی، به مشاوران نیروی انتظامی مستقر در کلانتری ها مراجعه و به صورت رایگان از خدمات آن ها استفاده کنند.



تجاوز مرد زن نما به ۴ مرد هوسباز

مردی همجنس باز به اتهام تجاوز به ۴ مرد دستگیر و به زندان محکوم شد. طبق گزارش پلیس، متهم دوات اکساور ۳۳ ساله که نام خود را در فضای مجازی و سایت های دوستیابی آنادخیره کرده بود، ۴ مرد را با فرستادن عکس های مستهجن از خود به یک پارک در نزدیکی خانه اش کشاند و با بستن چشم هایشان با چشم پند آن ها را به خانه اش برد. به گفته قربانیان، آن ها چندین بار مورد دست درازی و آزار جنسی قرار گرفته بودند و زمانی که خیلی ناگهانی دستشان با ریش های دوات برخورد کرد متوجه شدند که او یک مرد همجنس باز بوده که با پوشیدن لباس های زنانه طمع ه های خود را به خانه می کشاند. از چگونگی دستگیری متهم اطلاعاتی منتشر نشده است اما وی پس از دستگیری و اظهارات قربانیان طبق نظر قاضی به ۱۵ سال زندان محکوم شد.



زن جوان عامل اختلاس میلیاردی در شیراز بود

رئیس پلیس آگاهی استان از دستگیری کارمند زن متخلف یکی از ادارات در شیراز که با سوء استفاده از موقعیت شغلی خود، مبلغ ۲۲ میلیارد ریال پولشویی و اختلاس کرده بود خبر داد.

سرهنگ فرج شجاعی بیان کرد: در پی اعلام شکایت اداره حقوقی یکی از ادارات شیراز مبنی بر پولشویی و اختلاس توسط یکی از کارمندان زن، بلافاصله ماموران اداره مبارزه با جرائم اقتصادی پلیس آگاهی استان تحقیقات خود را آغاز کردند. وی افزود: مأموران پلیس آگاهی دریافتند که کارمند یکی از ادارات که در سمت پرداخت حقوق و مزایای کار کتان مشغول بوده با ترند خاصی مبلغ ۲۲ میلیارد ریال طی چند مرحله برداشت و به حساب شخصی خود واریز کرده است. این مقام انتظامی تصریح کرد: بلافاصله مأموران با انجام اقدامات اطلاعاتی و پلیسی فرد مورد نظر در شیراز شناسایی و دستگیر کردند. رئیس پلیس آگاهی استان با بیان اینکه متهم برای بازجویی و ادامه تحقیقات به پلیس آگاهی منتقل شد، عنوان داشت: متهم در بازجویی فنی و تخصصی مواجه شدن با داله و مستندات پلیس به ۲۲ میلیارد ریال پولشویی و اختلاس اقرار و پس از تشکیل پرونده تحویل مراجع قضایی و از آن طریق روانه زندان شد.

یک زن و ۲ مرد کشته شدند

۳ جنایت در تعطیلات پایتخت



اولین جنایت

نخستین جنایت ساعت ۱۹ پنج‌شنبه ۱۷ آبان ماه سال جاری در خیابان نفت تهران رقم خورد و خیلی زود با گزارش یک قتل خونین به پلیس، تیمی از ماموران کلانتری ۱۴۰ باغ فیض در صحنه جرم حاضر شدند. ماموران با حضور در صحنه جرم با جسد خونین زن ۳۰ ساله‌ای روبرو شدند که از ناحیه سینه و صورت هدف ضربات چاقو قرار گرفته و غرق خون روی زمین افتاده بود. همین کافی بود تا تیمی از ماموران اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران همراه بازپرس سجاد منافی‌آذر از شعبه ۳ دادسرای امور جنایی تهران برای تحقیقات ویژه پای در قتلگاه زن جوان بگذارند. کارآگاهان در تحقیقات ابتدایی پی بردند که زن جوان پس از درگیری با شوهرش به کام مرگ فرو رفته است و در این مرحله مرد جوان که داخل خانه حضور داشت هدف تحقیق قرار گرفت.

شوهر این زن در بازجویی‌ها به ماموران گفت: همسر ما من درگیر شد ولی بعد از آن از شدت عصبانیت خودش دست به چاقو گرفت و اقدام به خودزنی کرد و در ماجرای مرگ

همسرم هیچ نقشی نداشتم. بازپرس ویژه قتل در این مرحله دستور داد تا جسد زن جوان برای بررسی علت مرگ به پزشکی قانونی منتقل شود و شوهر وی نیز برای تحقیقات در اختیار ماموران اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران قرار گرفت تا معمایی این پرونده خونین فاش شود.

دومین جنایت

عقربه‌ها ساعت ۲۲ جمعه ۱۸ آبان ماه سال جاری را نشان می‌داد و ۳ جوان داخل پارک گلزار خیابان ۱۷ شهرپور نشسته و سرگرم صحبت بودند که ناگهان یکی از جوان‌های محل سوار بر موتور وارد پارک شد. پسر جوان سوار بر موتور به سمت ۳ جوان داخل پارک رفت و پس از توقف و پیاده شدن از موتور بدون هیچ مقدمه‌ای به سمت جوان ۲۷ ساله رفت و در همین لحظه چاقویش را از زیر لباسش بیرون کشید و با چاقو ضربه‌ای به سینه پسر جوان زد.

همه شوکه شده بودند و جوان چاقو به دست پس از این حمله سوار بر موتور پا به فرار گذاشت و جوان غرق خون نیز به بیمارستان منتقل شد. تلاش پزشکان برای نجات جان پسر جوان ادامه داشت اما به

خاطر شدت خونریزی روی تخت بیمارستان تسلیم مرگ شد. همین کافی بود تا تیمی از ماموران اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران به دستور بازپرس سجاد منافی‌آذر از شعبه ۳ دادسرای امور جنایی تهران برای دستگیری عامل جنایت وارد عمل شدند.

کارآگاهان در این شاخه از تجسس‌ها پی‌های در صحنه جرم گذاشتند و از دوستان قربانی جنایت شروع به تحقیق کردند و خیلی زود مخفیگاه پسر جوان شناسایی شد. تیم پلیسی با توجه به شناسایی عامل جنایت به خانه پدری وی رفتند که مشخص شد پسر جوان پس از قتل دیگر به خانه نرفته و متواری شده است.

بدین ترتیب تجسس‌های پلیسی برای دستگیری عامل جنایت به دستور بازپرس پرونده در اختیار ماموران اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران قرار گرفت.

سومین قتل

روز جمعه ۱۸ آبان ماه سال جاری ۳ مرد که کارمند یک کمپ ترک اعتیاد هستند برای انتقال مرد معتاد به کمپ ترک اعتیاد به منطقه جوانمرد قصاب رفتند. ۳ مامور کمپ وقتتی وارد خانه مرد



به سراغ خانواده اش رفتیم تا با کمک آنها یاسر را ترک دهیم اما شوهرم وقتی فهمید که خانواده اش متوجه اعتیادش شدند شبانه از خانه خارج شد و مدتی ناپدید شد و بعد با سر و روی آشفته به خانه بازگشت و تهدید کرد اگر او را به کمپ ترک اعتیاد ببرم مرا خواهد کشت. دیگر از رفتارهای یاسر خسته شدم و تصمیم به جدایی گرفتم و امیدوارم یاسر هم مثل من زندگی مان را دوست داشته باشد و با دادخواست طلاق من مواد مخدر را ترک کند چون در غیر اینصورت دیگر حاضر به زندگی با او نیستم. لیلا پس از گفتن زندگی تلخش گفت: زندگی من یک درس است و می‌خواهم همه بخوانند تا مردان و زنان به خاطر یک شب خوشی زندگی خود را خراب نکنند.

که دیگر تحمل تمام شد و خواستم علت این رفتارهایش را بفهمم. مدتی بود که یاسر را تحت نظر قرار داده بودم و که در این مدت متوجه شدم او گاهی اوقات به خانه یکی از دوستانش که به تنهایی زندگی می‌کند رفت و آمد دارد. در ادامه کاوشگری‌هایم پی‌بردم که دوست یاسر اعتیاد به مواد مخدر شیشه دارد و همین کافی بود تا احتمال دهم که یاسر نیز معتاد به مواد مخدر شده تا اینکه یک روز وقتی خواستم لباس‌های یاسر را داخل ماشین لباسشویی بندازم از جیب لباسش یک بسته بیرون افتاد که بعد متوجه شدم این بسته مواد مخدر شیشه است. وقتی از اعتیاد یاسر اطمینان پیدا کردم

افیونی می‌کشید و زندگی‌مان به جدایی می‌رسد.

میهمانی‌های شبانه

یاسر اهل هیچ چیزی نبود و تنها گاهی اوقات با دوستانش در میهمانی‌های شبانه سیگار می‌کشید اما بعد از مدتی احساس کردم که یاسر بعد از میهمانی رفتارش تغییر می‌کند و هر چه در مورد رفتار و حرف‌های عجیبش سوال می‌کردم بهانه می‌آورد.

نگران زندگی‌مان بودم، چون همیشه در بین فامیل و دوستان زندگی ما بازیاد بود و می‌دانم دشمنانی داشتیم که باعث شدند یاسر معتاد به مواد مخدر شیشه شود. مدتی گذشت که دیگر رفتارهای یاسر تغییر کرده بود و بعضی شبها دیر به خانه می‌آمد و ادعای می‌کرد که در محل کارش بوده اما من باتوجه به رابطه‌نزدیکی که با منشی شرکت یاسر داشتم می‌دانستم که یاسر دروغ می‌گوید ولی برای ادامه زندگی هیچ وقت حرفی نزدم تا اینکه کار به تنک کاری کشید و یاسر دست بزن پیدا کرد.

شوهرم دیگر بهانه گیر شده بود و بر سر هر موضوع کوچکی دعوا راه می‌انداخت، حتی سر دیدن شبکه تلویزیون با من درگیر می‌شد

بود تا لیلا با شناخت بیشتر جواب مثبت به خواستگاری یاسر دهد و خیلی زود پسر جوان همراه خانواده‌اش به خانه لیلا رفتند و مراسم خواستگاری را انجام دادند.

بعد از مدتی مراسم عقد لیلا و یاسر برگزار شد و این ۲ جوان تحصیلکرده پس از ۶ ماه دوران نامزدی مراسم جشن عروسی را برگزار کردند و به خانه بخت رفتند.

در خواست طلاق

چندی قبل لیلا با چهره‌ای آشفته و سرگردان در راه پله‌های دادگاه خانواده قدم برمی‌داشت و از اینکه رویاهایش به تلخی و جدایی رسیده بود اشک می‌ریخت. زن جوان وقتی روی صندلی راهرو دادگاه نشست دادخواستش را می‌خواند و منتظر بود تا منشی قاضی او را صدا بزند. لیلا در حالیکه اشک می‌ریخت به خبرنگار ما گفت: روزهای نخست زندگی‌ام رویایی بود و همه چیز خوب پیش می‌رفت اما رفاقت‌ها و میهمانی‌های شبانه همسرم زندگی‌مان را خراب کرد.

زن جوان افزود: یاسر پسر تحصیلکرده و خوبی بود و هیچ وقت فکر نمی‌کردیم دوستی‌های زیاد او با دوستانش او را با تاتاق

گروه حوادث: مهندس جوان و همسرش که برای خوشگذرانی پای در میهمانی‌های شبانه می‌گذاشتند نمی‌دانستند که دنیای شیشه‌ای او را به پرتگاه جدایی می‌کشاند. اوایل سال ۹۵ بود که لیلا ۲۵ ساله در مسیر بازگشت از دانشگاه با پسر جوانی به نام یاسر آشنا شد.

یاسر که مهندس کامپیوتر و وضعیت مالی خوبی داشت پس از مدتی دوستی با لیلا وقتی دید دختر جوان خانواده تحصیلکرده و آبرومندی دارد تصمیم به ازدواج با او را گرفت. لیلا وقتی در برابر پیشنهاد یاسر قرار گرفت شوکه شد و خواست تا چند روزی به او مهلت دهد تا در مورد این پیشنهاد فکر کند.

دختر جوان که بتازگی در سش تمام شده بود قبل از اینکه جواب مثبت به پیشنهاد خواستگاری یاسر دهد از پسر دایی‌اش خواست تا با مراجعه به دفتر کار یاسر تحقیقاتش را شروع کند تا تصمیم درستی در زندگی‌اش بگیرد.

پسر دایی لیلا وقتی تحقیقات خود را شروع کرد پی‌برد که یاسر در شرکت مهندسی مشغول به کار است و خانواده‌اش نیز از موقعیت اجتماعی خوبی بر خوردار است. همین کافی

شکایتی عجیب که جهانی شد

۲۰ سال گمشده یک مرد!

اساس چرا نمی‌توانیم در مورد سن‌مان تصمیم بگیریم؟» دادگاهی در شهر آرنهم هلند قرار است در خصوص این پرونده اعلام کند.

سوالی جالب!

مقامات رسمی چندان نسبت به موفقیت این پرونده مطمئن نیستند و معتقدند که هیچگونه اهرم قانونی برای انجام چنین تغییری در تاریخ تولد وجود ندارد. یکی از قضات این پرونده سوال کرده که تکلیف ۲۰ سالی که آقای راتلیند در صد پاک کردن آن است چه خواهد شد: «در این مدت پدر و مادر وی از چه کسی مراقبت کرده بودند؟» در مقابل آقای راتلیند معتقد است که به خاطر سنش، علیه او تبعیض اعمال می‌شود و این مسئله بر موقعیت شغلی و استخدای وی و یا شانس استفاده‌اش

گروه حوادث: مردی شکایت کرد تا سنش را ۲۰ سال کم کند و با همین اقدام همه را به چالش کشید. انگیزه این مرد که اعتماد به نفس زیادی هم دارد باعث شد تا در جهان به شهرت برسد.

شکایت عجیب

امیل راتلیند مردی که اهل کشور هلند بوده و به حرفه «مربی مثبت‌نگری» مشغول به کار است، شکایتی به مراجع حقوقی این کشورش تسلیم کرده تا سن قانونی‌اش را ۲۰ سال کاهش داده و بتواند با سن کمتر در وبسایت‌های دوست‌یابی از شانس بیشتری برخوردار شود.

وی در پرونده حقوقی‌اش تقاضا کرده تا تاریخ تولدش از ۱۱ مارس ۱۹۴۹ به ۱۱ مارس ۱۹۶۹ تغییر یابد. آقای راتلیند گفته: «مادر دوره‌ای زندگی می‌کنیم که می‌توانیم نام و جنسیت خود را تغییر دهیم، بر همین